

در هفته منصور حکمت

گارد آزادی محلاتی از شهر مهاباد را به کنترل خود در آورد



سرنگونی جمهوری اسلامی را از آنها دریافت می‌کردند. رفقای گارد آزادی بعد از انجام عملیات موفقیت آمیز خود محلات فوق را ترک کردند. حضور واحد گارد آزادی مصادف بود با دومین روز از آغاز هفته منصور حکمت و در جریان حضور خود در شهر مهاباد صدها نسخه از بیانیه های حزب حکمتیست را پخش کردند.

حضور نیروی مسلح گارد آزادی در شهر مهاباد و استقبال پر شور مردم از آنها بدون تردید شروع قدرتمند و امید بخشی را به همه مردم آزادیخواه و برابری طلب نوید میدهد. بهمین خاطر فرماندهی گارد آزادی همه جوانان و مردم آزادی خواه را به پیوستن به صفوف مسلح گارد آزادی فرا میخواند. فرماندهی گارد آزادی به همه رفقای واحد شاهین در شهر مهاباد تبریک میگوید و از مردم مبارز و انقلابی شهر مهاباد بویژه مردم محلاتی که گارد آزادی را همکاری کردند، صمیمانه تشکر میکند.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری فرماندهی گارد آزادی عبدالله دارابی 16 خرداد 1385- (6 ژوئن 2006)

شب گذشته دوشنبه 15/3/85 برابر با 5 ژوئن 2006 راس ساعت 9 شب واحد شاهین از گارد آزادی محلات پشت تپ(طرف مدرسه)، باغ شایگان (روبروی کلانتری 13) و میدان استقلال(کوچه خانقا، کوچه رسول نادری)، را به کنترل خود در آورد. رفقای گارد آزادی همزمان با حضور خود اقدام به پخش اطلاعیه فرماندهی گارد آزادی برای پیوستن مردم به این نیرو و توزیع منشور سرنگونی جمهوری اسلامی در میان مردم کردند. مردم در این محلات ضمن استقبال کم نظیر از واحد مسلح گارد آزادی، با خوشحالی اطلاعیه ها و منشور

به نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر!

به دنبال اعتراضات مردم اشنویه در اردیبهشت ماه سال گذشته که همزمان با مردم در شهرهای دیگر کردستان در محکومیت سرکوبگری رژیم اسلامی شکل گرفت، آقایان صلاح گجندی و منصور اماتی از ساکنین شهر اشنویه، جزو کسانی بودند که از طرف رژیم اسلامی به اتهام



محمد فتاحی



گارد آزادی در مهاباد

صف مبارزه برای آزادی و برابری را انتخاب کنید

رحمان حسین زاده

دوشنبه شب 15 خرداد 1385 گارد آزادی سه محله شهر مهاباد را به کنترل خود در آورد و در میان مردم حضور یافت. در میان استقبال گرم مردم تشنه آزادی صدها نسخه از فراخوان فرماندهی گارد آزادی و منشور



در صفحات دیگر

اطلاعیه کمیته تشکیلات داخل حزب در رابطه با دانشجویان دستگیر شده

درگیری شدید با نیروهای جمهوری اسلامی در آباد بوکان

نیئا نشریه ای تصویری از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اطلاعیه شماره ۷۷ کمیته سقر حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

به مناسبت هفته منصور حکمت در بزرگداشت یک زندگی پر بار

اعتراضات اخیر در مناطق ترک زبان ایران ظاهرا رمز آشتی و اتحاد کوتاه مدت و شکننده نیروهای قومی و فاشیستی در ایران شده است. این اتحاد شوم که بانی و مسبب اصلی آن طرح و نقشه و پولهایی امریکا است، قرار است در پی اهداف امریکا در ایران و منطقه، آینده سیاسی ایران را دچار یک مشکل واقعی کند. گوشه هلی از این چشم انداز سیاه را میتوان در اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران و اظهار نظر نیروهای فاشیستی آنری و



عباس رضایی

اتحاد شوم قوم پرستان





الاحواز و باند سپاه زحمتکشان کردستان به وضوح مشاهده کرد. اطلاعاته دفتر سیاسی حزب دمکرات، نیروهای شدت ارتجاعی و تروریست جندالله بلوچستان را، "فرزندان ملت بلوچ" می خواند و اعتراضات فاشیستی مناطق ترک نشین ایران را که شعار آن "من ترکم، من ترکم و زبان فارسی زبان سگ است" را اعتراضاتی بر حق می داند. زیرا رشد و پیروسی ناسیونالیسم در سراسر ایران به تقویت این و پیروسی خطرناک در کردستان نیز کمک می کند. چرا که ناسیونالیسم کرد در کردستان ریشه تاریخی دارد حزب دمکرات که خود نیز سابقه ای طولانی در کشتار مردم و باج گیری از آنها و تقسیم مردم به قومیتها و قبیله های مختلف دارد منتها بود، که منتظر چنین اتفاقی بود. اکنون با توجه به وجود اختلافات عمیق میان جمهوری اسلامی و دول غرب و نا کار آمد بودن سلطنت طلبها و کانال های ماهواره ای، حزب دمکرات به همراه دیگر قوم پرستان مثل قارچ سر بر آورده و بی ربط به جامعه فرصت می یابند تا با حضور در واشنگتن و قبول پلویی آمریکا به عنوان اهرم فشار آمریکا به بازی گرفته شوند. بیانیته دفتر سیاسی حزب دمکرات منعکس کننده طرح سپاه وزارت امور خارجه آمریکا و سازمان سیا برای آینده ایران است. حزب دمکرات این را به خوبی می داند که کارگر تیریزی، دانشجوی اهوازی، مردم و جوانان تهران و سنجندج صحبت با چه زبانی مسئله اشان نیست. مسئله مشترکشان خلاصی از دست جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی است. حزب دمکرات این را خوب می داند که در تقابل با حرکت انسانی مردم، بذر این توحش قومی را اکنون دارند می پاشند، تا با تحول انقلابی توسط خود مردم مقابله شود. بر این بستر حزب دمکرات و ادار شده است که به همراه پلوه های دیگری به بارگاه بوش رجوع کنند و اتحاد شومی ایجاد کنند. و در بیانیته دفتر سیاسی شان، تنها راه سرنگونی جمهوری اسلامی را اتحاد ملت های تحت ستم بخوانند. این اتحاد بین نیروهای ناسیونالیست در کردستان و جریانات تازه بوجود

آمده در بلوچستان، اهواز و انزلیجان یک اتحاد شوم اما شکننده و کوتاه مدت است. بعید است که نیرو های قومی و فاشیستی که تنها راه تغذیه شان باد زدن عرق ملی و برتر دانستن قوم و قبیله و هم زبان خود شان است، بتوانند مدتی طولانی این اتحاد را حفظ کنند. بزودی همین نیروها در صورت به قدرت رسیدنشان بر سر فلان روخنه یا شهر و روستا به جان هم خواهند افتاد چرا که جنگ و کشتار، نفرت پراکنی و خشم، و جنگهای ملی تنها راه سرکار ماندن یک نیروی قومی است. اما سوال اینجا است که چه چیزی و چه خواستی این دشمنان بالقوه را اکنون همسنگر و هم خط کرده است؟ جواب این سوال تنها یک چیز می تواند باشد قوم پرستی و امید به پولهای آمریکا و اجرای بی قید و شرط خطی است که وزارت خارجه آمریکا طراحی کرده است. خطی که قرار است به جای بمب اتم در ایران، بمب قومیت را منفجر کند، که دست کمی از بمب اتم ندارد. اما ظاهرا این یکی قابل دفاع است! محترمانه تر است. و می توان متحدان بیشتری برای آن پیدا کرد. امکانات امریکای می تواند این نیروهای کوچک را در کوتاه مدت قوی کند و آنها را بعنوان انترناتیو در مقابل جمهوری اسلامی به خورد جامعه جهانی دهد. این سیاست که فقط فروپاشی جمهوری اسلامی را تعقیب می کند تاریخی خونین برای ایران به ثبت خواهد رساند، که پاک سازی های قومی در رواندا و یوگسلاوی در مقابل آن بسیار کوچک نمایان خواهند کرد. باید جلوی این فالجه را گرفت و این علف هرز را قبل از اینکه سراسر جامعه را فلج کند ریشه کن کرد. احزاب فاشیستی را که فقط به خاطر امکانات امریکایی دارند جان می گیرند را باید طرد و رسوا کرد. سناریوی سپاه طرح ریزی شده آمریکا و فرالیستهای ضد مردم را باید خنثی کرد. این کار ما است. این کار ما مدنیت در جامعه است. کار ما کمونیستها کار ما حکمتیستها و انسانهایی است که آینده این سناریو را تشخیص داده ایم.

ادامه گارد آزادی در مهاباد ...

سرنگونی جمهوری اسلامی پخش شد. این حرکت و این اتفاق بسیار با اهمیت است.

حتما خیلی ها بویژه از صف مخالفان و دشمنان ما خواهند گفت چه اهمیتی؟ مگر شهرهای انزلیجان را نمی بینی؟ مردم خشمگین در ابعاد صد هزار و دهها هزار نفر به میدان آمدند. چند ده کیلومتر بالاتر از مهاباد در شهر نرده بزرگترین تظاهرات داشته اند. در مقایسه با این وضعیت حضور یک واحد مسلح گارد آزادی در مهاباد چه اهمیتی دارد؟

میپذیرم در مقایسه با آن تحرک وسیع قوم پرستانه تبریز و شهرهای انزلیجان ابراز وجود یک واحد گارد آزادی کوچک مینمایاند، اما اتفاقا تمام اهمیت خاص حضور گارد آزادی در مهاباد همزمانی آن با تحرک وسیع ارتجاعی شهرهای انزلیجان است. تمام اهمیت خاص این حرکت گارد آزادی گشودن جبهه دیگری در مقابل صف ارتجاعی است که بخش عمده مردم و شرکت کنندگان آن از سرناچاری و ندیدن صف متفاوتی برای اعمال اعتراض علیه جمهوری اسلامی در آنجا گرد آمده اند. در چنبره ارتجاع گیر افتاده و به آنجا پناه برده اند. در این شرایط گارد آزادی در مهاباد جبهه دیگری و صف

تمایزی را برای ابراز وجود و اعتراض علیه جمهوری اسلامی گشوده است. به مردم میگوید در مبارزه علیه جمهوری اسلامی مجبور نخواهند بود به صف ارتجاع قومی و ناسیونالیستی و هر ارتجاع دیگری پناه ببرند. اعلام میکند مجبور به انتخاب میان بد و بدتر نیستند. صف گارد آزادی هست. صف پیام آوران آزادی و برابری هست. صف گفتن نه به هویت قومی و مذهبی و زنده باد هویت انسانی هست. صف سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی با به دست گرفتن منشور سرنگونی جمهوری اسلامی هست. و با حضور علنی و ابراز وجود قدرتمند اعلام شد به این صف بپیوندید و انتخاب کنید.

در هفته گذشته جبهه ارتجاع قومی و ناسیونالیستی در ابعاد وسیع گشوده شد. اما این تنها جبهه نبود. از اعتراض دانشجویان در دانشگاههای تهران تا اعلام حضور گارد آزادی در مهاباد اعلام وجود جبهه آزادیخواهی و انسانیت و وجود جبهه مبارزه قاطع برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. تمام اهمیت مسئله اینست، صف آزادیخواهی واقعیتی موجود و قابل انتخاب برای مردم است. در این چارچوب حرکت گارد آزادی در مهاباد اهمیت ویژه ای دارد. به نست اندرکاران و سازماتدهندگان این حرکت موفق صمیمانه باید



محتوای حکمت بر تاملهای عمیق است و نین انصاف استند است. قامت خود را به روشنی مشهود است. قوت هر دوره حسی انقلابی را کتار دولت و انقلاب بکاربرد بحث رابطه اصراغ، خطرات و جنبش های انسانی را کتار اینانفورم انسانی قرار دهد و ندای همه برانه کونسترا کتاری را به مایستیک مایستیک کند. بنوجه قامت نظیر منصور حکمت بنویسد.

لقب منصور حکمت از حرکت انصاف اما منصور حکمت نرسده است. منصور حکمت با ایدمهایش به آرمانش و با کونسترا آن دوره نهایت جنبش بروری انصاف و جنبش سوسیالیستی باقی خواهد ماند.

زنده باد منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Workers Communist Party of Iran
Hekmatist

ضمیمه 1 منتخب آثار منصور حکمت صفحه منتشر شد

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

کشتار، جرم و تنبیه و مجازات به دنبال دارد.

از طریق این اطلاعیه کلیه سازمانهای مدافع حقوق بشر و همچنین مردم مبارز شهر اشنویه را فرامیخوانم تا مقامات رژیم اسلامی را برای لغو حکم دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه تحت فشار بگذارند.

با احترام،

محمد قنچی از کمیته کردستان حزب حکمتیست.

بیست و نهم ماه مه

m.fatahi@gmail.com

به آن نباید از پای نشست.

دانشجویان مبارز!

خواست آزادی هومن و عابد و یاشار را در زمره خواستهای اعتراضی خود قرار بدهید و در جریان مبارزه و نشست خود با مقامات دانشگاه بر آنها پافشاری کنید. علیه این ربودن و گروگان گرفتن دانشجویان برای سرکوب و ارباب در این مبارزه باید ایستاد. پیروزی مبارزه اخیر دانشجویان از جمله در گرو آزادی دانشجویان دستگیر شده است.

ما دانشجویان سراسر کشور و مردم آزادیخواه را به مبارزه برای آزادی دانشجویان دستگیر شده فرامی خوانیم. از هر طریقی با نوشتن و با تهیه طومارهای اعتراضی با تماس با سازمانهای دانشجویی و سازمانهای مدافع حقوق بشر و مدافعین زندانیان سیاسی به این مبارزه بپیوندد.

کمیته تشکیلات کل کشور حزب حکمتیست

www.hekmatist.com

6 زوئن 2006

ادامه به نهادهای بین المللی

اقدام علیه امنیت ملی و آشوب و تحریک مردم به مدت حدود ۲ ماه دستگیر و بعدا با ودیعه های پولی به ترتیب ده میلیون و بیست میلیون تومان آزاد شدند.

رژیم اسلامی در جهت سرکوب اعتراضات مردم و ایجاد فضای خفقان، اخیرا آنها را زیر فشار بیشتری قرار داده است. در همین رابطه دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه غیابا آنها را محکوم، برای آقای گنجی ۱۲ ماه و برای آقای اماتی ۲۴ ماه زندان تعیین کرده است.

رژیم اسلامی با این احکام میخواهد به مردم بگوید اعتراض آنها به سرکوب و

عابد توانچه هومن کاظمیان و یاشار قاجار باید آزاد شوند!

آزادی دستگیرشدگان از خواستهای اصلی مبارزه دانشجویان باید باشد!

عابد توانچه هومن کاظمیان و یاشار قاجار از فعالین دانشجویی هستند که در جریان اعتراضات دامنه دار اخیر دانشجویان دانشگاههای تهران توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ربوده شده و در زندانهای سپاه در اسارت و بازجویی و زیر فشار قرار گرفته اند.

اعتراضات دانشجویی اخیر برای مقابله با تعرضات رژیم علیه دانشجویان برپا شد و با بالا گرفتن آن و در مرحله ای از تداوم آن به نشست و مذاکره نمایندگان دانشجویان با مقامات دانشگاه منجر گردید. اما مبارزه دانشجویان هنوز ادامه دارد و نتایج نشست آنها با مقامات هنوز به نتیجه ای منجر نشده است. آنچه که در این میان مسلم است این واقعیت مهم است که در این مبارزه مانند هر مبارزه و اعتراض دیگری باید آزادی دانشجویان دستگیر شده یکی از خواستهای اصلی دانشجویان باشد و مانند سایر خواستهای آنها باید تا رسیدن

درگیری شدید با نیروهای جمهوری اسلامی در امیر آباد بوکان



سلام زجی

بعداز ظهر دیروز منطقه امیر آباد (میرآباد) در شهر بوکان بیش از چند ساعت به میدان درگیری شدید مردم و نیروهای انتظامی تبدیل شد. مرکز نیروهای رژیم به محاصره مردم در آمد و درب و پنجره آن شکسته شد و فرماتده نیروهای جمهوری اسلامی نیز در امیر آباد زخمی و چند مزدور دیگر از جانب مردم خلع سلاح و زخمی گردیدند.

این اتفاق بدنبال اینکه نیروهای جمهوری اسلامی چند ماشین و سرنشینان آن را که پارچه حمل میکردند توقیف و بازداشت کردند صورت گرفت. نیروهای انتظامی در ورودی امیرآباد آنها را توقیف و به محض ورود به امیرآباد مردم و جوانان از ماجرا با خبر میشوند و به کمک صاحبان بار میشتابند و با نیروهای رژیم درگیر میشوند. ابعاد آن به همه امیرآباد گسترش پیدا میکند. همزمان مردم خشمگین و متنفر از جمهوری اسلامی پلگاه امیرآباد را محاصره و درب و پنجره آنرا می شکنند. مزدوران نیروهای کمکی زیادی را از شهر روانه میکنند و دست به تیراندازی هوای میزنند. مردم، که با چوب و سنگ با مزدوران جمهوری اسلامی مقابله میکنند سر انجام موفق می شوند نیروهای جمهوری اسلامی را فراری دهند و بارهای پارچه را از دست آنها بیرون آورند. درگیری تا غروب ادامه داشت و امیرآباد در محاصره نیروهای اسلامی قرار گرفت

• در این رویداد چند نفر به وسیله نیروهای جمهوری اسلامی بازداشت شده اند. طبق آخرین خبری که امروز بدست ما رسیده اوضاع کنونی در امیرآباد نسبتا به حالت عادی برگشته است.

به ابتکار و شجاعت جوانان و مردم امیرآباد درود میفرستیم! این حرکت نمونه بارزی از همبستگی مردم در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی است که میتواند برای همه محلات شهر الگو باشد. باید کاری کرد که جمهوری اسلامی جرات حضور و پرسه زدن و ایجاد مزاحمت در محلات و شهر نداشته باشند. در بطن چنین حرکتی قابل تحصین باید با ایجاد تشکل و سازمان ویژه مبارزاتی جوانان و مردم مقابله با جمهوری اسلامی و همینطور مقابله با کهنه پرستانی که در محله سرگرم تبلیغ و تحریک نژادی و مذهبی هستند هرچه گسترده تر و تداوم یافته تر این مبارزات را ادامه دهیم و فضا را بر جمهوری اسلامی و قومپرستان تنگ کنیم.

تشکیل واحدهای گارد آزادی در امیرآباد و دیگر محلات شهر فوری ترین اقدام جوانان و مردم مبارز است که با اتکا به آن نه تنها الگو برجسته مبارزه دیروز امیرآباد را در همه شهر می توان بدست گرفت که دامنه و ابعاد آنرا نیز گسترش داد و سازمان یافته تر حرکتی اعتراضی و آزادیخواهانه خود را جلو ببریم. شما را فرا میخوانم واحدهای گارد آزادی را در امیرآباد و دیگر محلات بوکان تشکیل دهید.

همه مردم بوکان و میراوا را فرامیخوانیم که برای آزادی دستگیر شدگان دیروز به مزدوران و مقامات جمهوری اسلامی اعتراض کنند و خواهان آزادی فوری آنان شویم.

یکبار دیگر به کاردانی و مبارزه جوانان در امیرآباد درود میفرستیم!

دبیر کمیته بوکان حزب کمونیست کارگری حکمتیست

Tel: 0046736227959

نینا نشریه ای تصویری از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

CD

شماره 1 نشریه تصویری نینا تهیه و آماده پخش است. در این شماره:

مصاحبه ای با حسین مرادیگی دبیر تشکیلات کردستان در رابطه با تحولات ناسیونالیستی اخیر در آذربایجان سخنرانی رحمان حسین زاده معاون لیدر حزب حکمتیست در انجمن مارکس استکهلم به مناسبت هفته منصور حکمت تحت عنوان منصور حکمت و تحولات سیاسی ایران.

نینا تصویری با مسئولیت اسد نودینیان و رسول بناوند و همکاری فنی یدی گلچینی و حسین شاه نظری تهیه شده است. نینا تصویری را وسیعا پخش کنید و به دوستان و علاقمندان آن برسانید.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!



به مناسبت هفته منصور حکمت
در بزرگداشت یک زندگی پربار
4 تا 11 ژوئن

سوال و جواب در جلسه پانک ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱

سؤال: آیا ایران کشور چند ملیتی است؟ منصور حکمت: اطلاق چند ملیتی به یک کشور یا یک جامعه یک انتخاب سیاسی است، کما اینکه اگر بپرسند آیا ایران یک جامعه اسلامی است، من میگویم نه، یکی میگوید آره به نظر من ملت و ملیت مفوله ای است سیاسی، مفوله ای است ایندولوژیکی. کسی که تصمیم میگیرد برای مثال یک انسان را با قومیتش تعریف کند و بگوید من این را "آذری" میدانم، این را "هوتو" میدانم، این را "پشتو" میدانم، این را "ایگو" میدانم، این را "باسکا" میدانم و...

دارد یک انتخاب سیاسی میکند و دارد رنگ ایندولوژی خودش را به آن جامعه میزند. ایران ممکن است چند ملیتی باشد یا نباشد، بستگی به این دارد که ایندولوژی رسمی در آن کشور و تبیین رسمی از آن کشور را کسانی مینویسند که مقولات قومی برای شان برجستگی دارد یا نه؟ آگه من باشم میگویم نه فقط ایران، بلکه هیچ جا، کشورهای جهان چند ملیتی نیستند. آنها با زبانهای مختلف با هم حرف میزنند، اینکه به آنها بگویم ملت، حاصل جنبش ناسیونالیستی در این کشور است. در دوره های این آنها به خونشان نگفته اند ملت. بعدا همین ملت های موجود ممکن است به چند ملیت دیگر تقسیم شوند. این یک رویداد سیاسی ایندولوژیکی است و جزو علوم مثبت نیست. اگر مردم ایران را آزمایش بکنیم و DNA هایشان را بررسی کنیم، چیزی راجع به لر یا گیلک بودن آنها را نمیگوید. این یک بحث سیاسی است. ایندولوژیکی است. شما میتونید انتخاب بکنید که کس دیگری مردم را اینطور تقسیم بکند. من میخوام اینطور تقسیمشان نکنم و میگویم مردم ایران یک عده انسان متساوی الحقوق هستند و به زبانهای مختلفی هم حرف میزنند، امیدوارم زبانهای بیشتری هم یاد بگیرند حرف بزنند. آیا ستم ملی وجود دارد؟ حتما وجود دارد، برای اینکه ناسیونالیسم وجود دارد و ناسیونالیسم تخصصش این است که ملیت را تبدیل کند به یک مرز غیر قابل

عبور، آنها را به این ترتیب تقسیم کند و تفرقه در آنها بوجود آورد. برای اینکه بعنوان یک ملت به ملت دیگری زور بگوید، ستم ملی وجود دارد. ولی ستم ملی را باید رفع کرد، پاسخ ستم ملی، کشور دادن به مردم نیست. هر کس بیاد و به شما بگه حسن آقا دارند پشت سر من جوک درست میکنند، شما به من یک کشور بدهید، شما از او قبول نمیکنید. ستم ملی جواش رفع ستم ملی است. همانطور که ستم جنسی جواش رفع ستم جنسی است و ستم نژادی جواش رفع ستم نژادی و کشور دادن به قربانیانش نیست. این را ناسیونالیستها در نو سه قرن اخیر در جهان باب کرده اند که ملیت مبنای حکومت است. به نظر من ملت مبنای حاکمیت نیست، مبنای فلسفی حکومت ملیت نیست. مبنای فلسفی حکومت فقط میتواند انسان باشد و اتحاد دواطلبانه آمهایی که آنجا میخوانند زندگی کنند، مینا شهروندی است. در نتیجه اگر فرض کنیم که حکومتها قرار نیست ملی باشند و ناسیونالیستی، آنوقت معلوم نیست چرا ستم ملی باید به تشکیل کشورهای مختلفی منجر بشود. یک نمونه دیگر راجع به مساله ملی... اگر ناسیونالیستها همت کنند و چنان مسائل ملی را باد بزنند و چنان فجایع ملی بوجود بیآورند که دیگر نشود بین آن ملتها با زبان خوش صلح و صفا ایجاد کرد، بله مجبوریم بعنوان یک راه حل تلخ از جدایی مردم حرف بزنیم و به رفراوندو مهابی قائل باشیم که اجازه میدهد

که ملتی که به آن خیلی ظلم شده و دیگر خوش بینی اش را نسبت به اتحاد دواطلبانه از دست داده، اگر میخواد جدا بشود. به این اعتبار من میبینم در مورد کردستان، خود ما سیاست رسمی مان اجازه داده به یک رفراوند و خواست یک رفراوند در کردستان که آیا مردم کردستان میخوانند جدا بشوند یا میخوانند در ایران با بقیه مردم با شرایط مساوی با بقیه شهر وندان بمانند؟ ولی این رفراوند را شما میگویید باید در مورد گیلان هم گذاشت؟ من اینطور فکر نمیکنم! هر قدر هم ممکن است به مردم گیلان ستم روا شده باشه، مساله ملی که در آن خون بپاشه باشد، بدبینی و دلچرکینی بوجود آمده باشد، غم پشت سرش نهفته باشد، خشم انبار شده باشد، چنین مساله ای در مورد مردم گیلک نداریم. هر وقت چنین مساله ای را بر ایمان ساختند، آنوقت مجبوریم با همین نسخه برویم سراغش. ولی ما به استقبال تجزیه آنها نمیرویم، به استقبال جدا کردن انسانها از همدیگر نمیرویم، به استقبال تقسیم آنها به کشورهای شش در چهار که در هر کدام قومی زندگی میکند نمیرویم. بر عکس جهان باید مرز هایش را بردارد، باید آنها با هم زندگی کنند، به هر زبانی میخوانند حرف بزنند، به هر زبانی میخوانند بنویسند و هر کدامش را در مرادوات اداری مؤثرتر است بکار ببرند. من شخصا نه ناسیونالیسم و نه به هیچ ناسیونالیستی میخوام آوانس بدهم



خالد حاج محمدي

اطلاعیه شماره ۷۷ کمیته سفز
حزب کمونیست کارگری
ایران_ حکمتیست
احضار فعالین کارگری سفز
محکوم است

اخیرا تعدادی از فعالین کارگری و

اجتماعی در سفز احضار شده اند. جلال حسینی، برهان دیوارگر و محمد عبدی پور از کارگران دستگیر شده اول مه ۱۳۸۳ که اخیرا ظاهرا تبرئه شدند، دوباره و به بهانه های واهی به دادگاه احضار شده اند.

در همین چند روز گذشته خالد حسینی و لیلا رحمت پناه از فعالین تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری نیز از جانب مرکز اطلاعات رژیم در سفز احضار شده اند. طبق خبری که بدست ما رسیده، خالد و لیلا از جانب مرکز اطلاعات جمهوری اسلامی در سفز به جرم فعالیت با تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری تهدید شده اند. احضار دوباره دستگیرشدگان اول مه سفز و احضار فعالین تشکل سراسری

کارگران علیه بیکاری و دهها مورد تهدید و اراغ فعالین و مدافعان حقوق انسان به جرایم مختلف، همگی تلاش ارتجاعی از جانب جمهوری اسلامی برای ایجاد فضای رعب و وحشت علیه مردم است.

در مقابل این کستخی مرکز اطلاعات و دادگاه اسلامی آن باید ایستاد. باید به این اقدامات ضد کارگری جمهوری اسلامی اعتراض کرد. باید جواب در خور خودشان را داد. اعتراض علیه این اقدامات کثیف و فشارهایی که هر بار به بهانه ای بر کارگران و مردم میاورند وظیفه همگی ما مردم است. نباید اجازه داد مرکز اطلاعات و عدلیه دولت اسلامی چنین کستاخانه و هر با زیر نامی به ابتدایی ترین حقوق پایه ای ما

مردم حمله کند. یک اعتراض وسیع و همه جانبه میتواند تمام این تلاشهای ارتجاعی را علیه خود تبدیل کند. میتواند سران جنایتکار جمهوری اسلامی را از اینگونه اقدامات باز دارد. سکوت در مقابل این توحش مطلقا مجاز نیست.

دبیر کمیته سفز حزب کمونیست
کارگری ایران_ حکمتیست
۳۰ مه ۲۰۰۶

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

h_moradbiegi@yahoo.com
Tel: 0046762737560

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com
Tel: 00467365226